

خارج الفقہ

۲۳-۷-۲۰۲۴ فقہ اکبر ۲

۱۰

(مکتب و نظام قضایی اسلام)

دراسات الاستاذ:

مهدي الهادي الطهراني

مبانی مکتب قضایی اسلام

ضرورت وجود قانون

تساوی تمام آحاد مسلمین در برابر قانون

رسیدگی عادلانه به دعاوی

سرعت در احقاق حق

اصل برائت از جرم

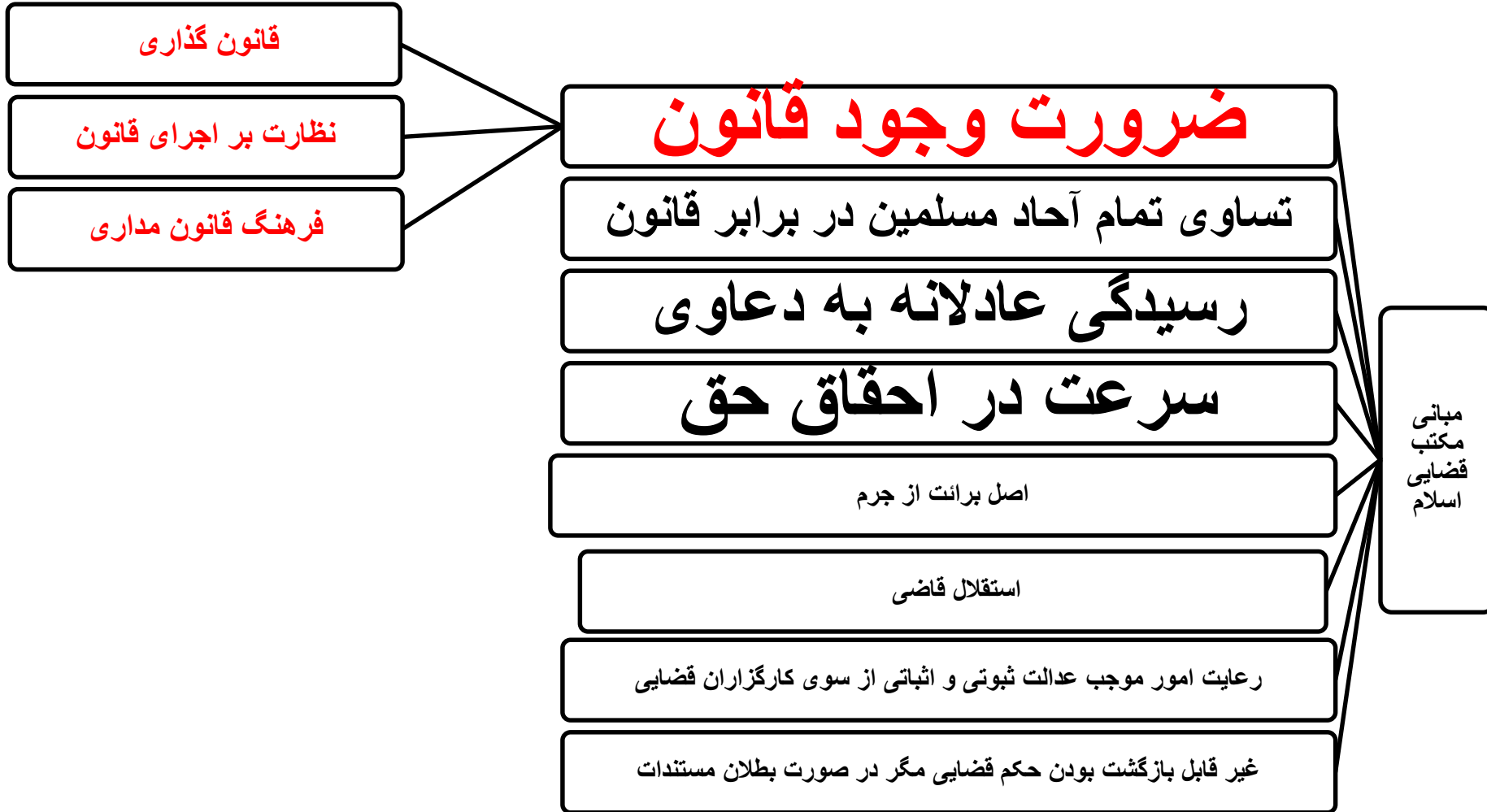
استقلال قاضی

رعایت امور موجب عدالت ثبوتی و اثباتی از سوی کارگزاران قضایی

غیر قابل بازگشت بودن حکم قضایی مگر در صورت بطلان مستندات

مبانی مکتب قضایی اسلام

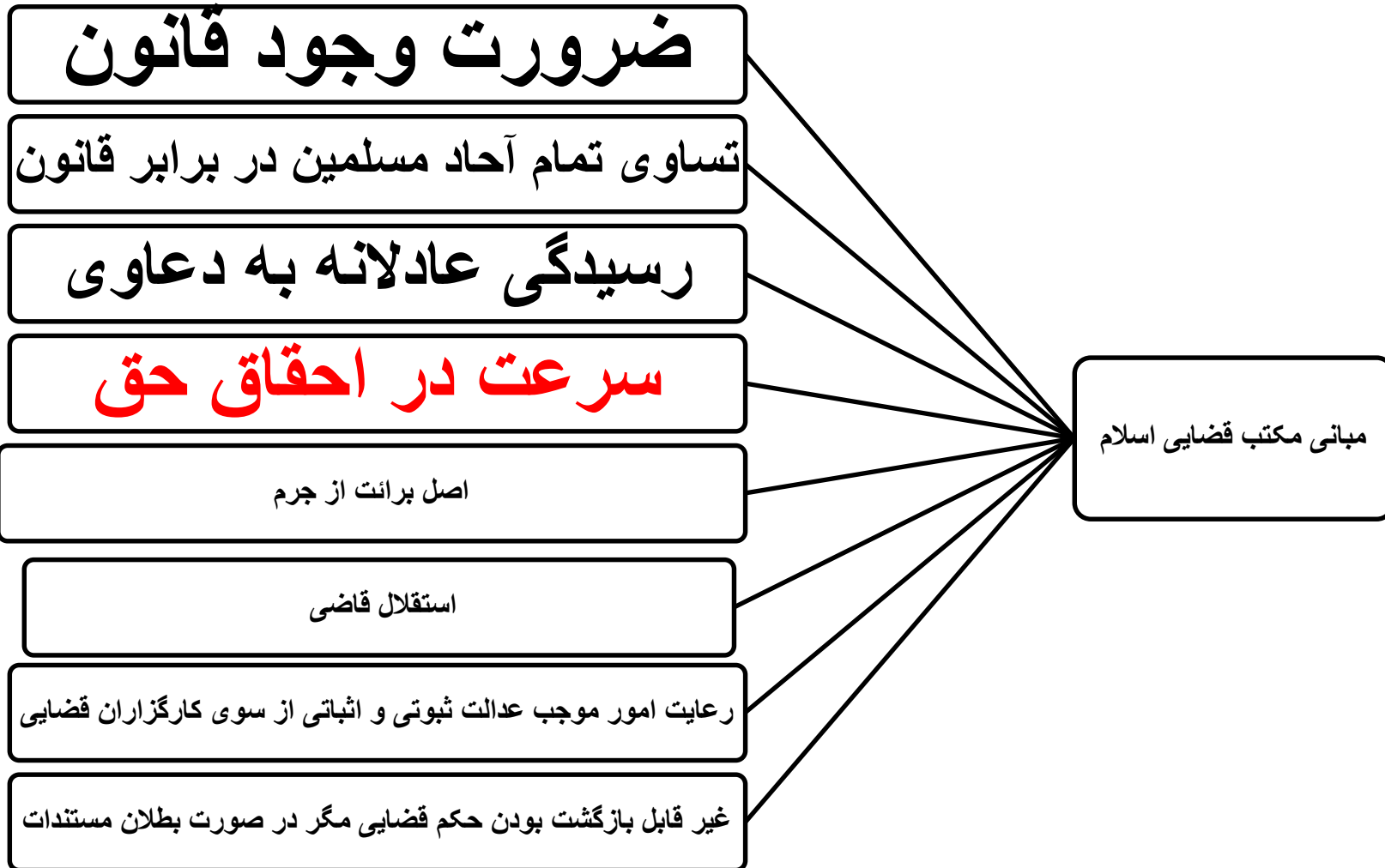
مبانی مکتب قضایی اسلام



ضرورت وجود قانون

- قانون باغ تخصیص فدرال BKleingG مبنای قانونی را برای باغ های تخصیصی و باغ های اختصاصی در آلمان تشکیل می دهد. باغات سهمی برای باغبانی استفاده می شود و باید با اصطلاح کاربری سوم مطابقت داشته باشد. علاوه بر این، الچیق نباید از حداکثر اندازه مجاز ۲۴ متر مربع تجاوز کند.

مبانی مکتب قضایی اسلام



مبانی مکتب قضایی اسلام

ضرورت وجود قانون

تساوی تمام آحاد مسلمین در برابر قانون

رسیدگی عادلانه به دعاوی

سرعت در احقاق حق

اصل برائت از جرم

استقلال قاضی

رعایت امور موجب عدالت ثبوتی و اثباتی از سوی کارگزاران قضایی

غیر قابل بازگشت بودن حکم قضایی مگر در صورت بطلان مستندات

مبانی مکتب قضایی اسلام

**سرعت
دادرسی**

سرعت در رسیدگی به دادخواهی

- ۵. تأخیر حکم
- با توجه به بحثی که گذشت، قاضی نمی تواند پس از روشن شدن حکم و ابای دو طرف دعوا از صلح، صدور حکم را به تأخیر اندازد. اما اگر حکم روشن نشده باشد، قاضی باید تا وضوح مطلب، صدور حکم را به تعویق اندازد و پس از آشکار شدن آن، حکم را صادر کند.*
- *ر.ک: المحقق الحلّی، شرائع الاسلام، صص ۳۱۹-۳۱۸، چاپ سنگی.

سرعت در رسیدگی به دادخواهی

- در فقه اسلامی تنها صورتی که برای تأخیر حکم جایز شمرده شده، همین حالتی است که حکم هنوز واضح نیست و در نتیجه، اجازه ای برای صدور حکم وجود ندارد.
- با این وصف، قاضی در حالات طبیعی نمی تواند به عذری مانند زیادی دعاوی ارجاعی به او، از رسیدگی کامل به پرونده ای که نوبت آن فرارسیده و گذشت زمان در روشن شدن وضعیت آن نقش ندارد، سرباز زند.
- چه رسد به اینکه تأخیر، باعث از بین رفتن شواهد جرم یا اسناد اثبات مدعا گردد که بدون شک چنین تأخیری حرام است.

سرعت در رسیدگی به دادخواهی

- نتیجه ی نهایی
- از مجموع آنچه گذشت دو نکته ی مهم در باب قضاوت اسلامی می توان نتیجه گرفت:
- ۱. قضای اسلامی نه تنها باید ثبوتاً عادل باشد، بلکه باید رعایت عدالت اثباتی را با کمال جدیت بنماید.
- ۲. در قضاوت اسلامی سرعت در رسیدگی به دادخواهی و صحت و اتقان دادرسی با یکدیگر مورد تأکید و اصرار قرار گرفته اند و هیچ یک نباید فدای دیگری گردد.

مبانی مکتب قضایی اسلام

ضرورت وجود قانون

تساوی تمام آحاد مسلمین در برابر قانون

رسیدگی عادلانه به دعاوی

سرعت در احقاق حق

اصل برائت

استقلال قاضی

رعایت امور موجب عدالت ثبوتی و اثباتی از سوی کارگزاران قضایی

غیر قابل بازگشت بودن حکم قضایی مگر در صورت بطلان مستندات

مبانی مکتب قضایی اسلام

اصل براءة از جرم

- اصل بر براءة است در قانون اساسی در اصل ۳۷ بیان شده که اشعار می دارد: "اصل، براءة است و هیچ کس از نظر قانون مجرم محسوب نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد." بنابراین اصل براءة آن است که تا زمانی که جرمی در دادگاه ثابت نشده است، نمی توان فردی را مجرم دانست و مجازاتش کرد.

اصل برائت از جرم

- بر اساس ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می‌دارد: «هر شخصی " که متهم به ارتکاب یک جرم کیفری می‌شود حق دارد که بی‌گناه فرض شود مگر این‌که تقصیرش، مطابق قانون در یک دادگاه علنی که در آن تمامی تضمین‌های لازم برای دفاع پیش‌بینی شده باشد، ثابت شود.»

- در حقوق خصوصی (مدنی) طبق ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی «هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند...»

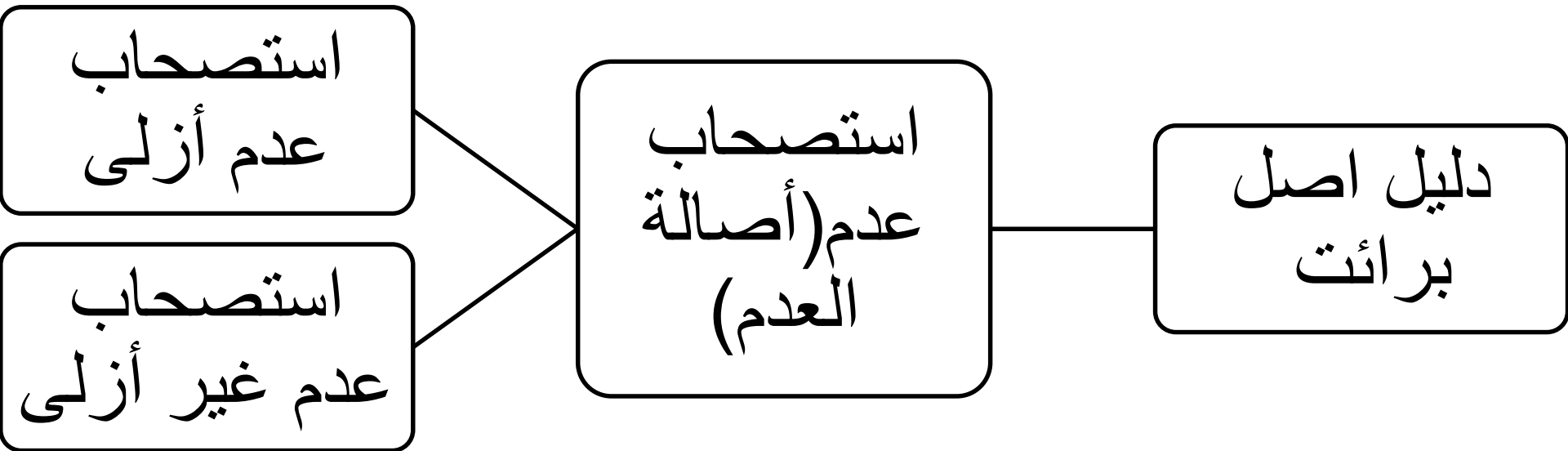
استصحاب عدم (أصالة العدم)

أصالة البرائة عقلی و شرعی

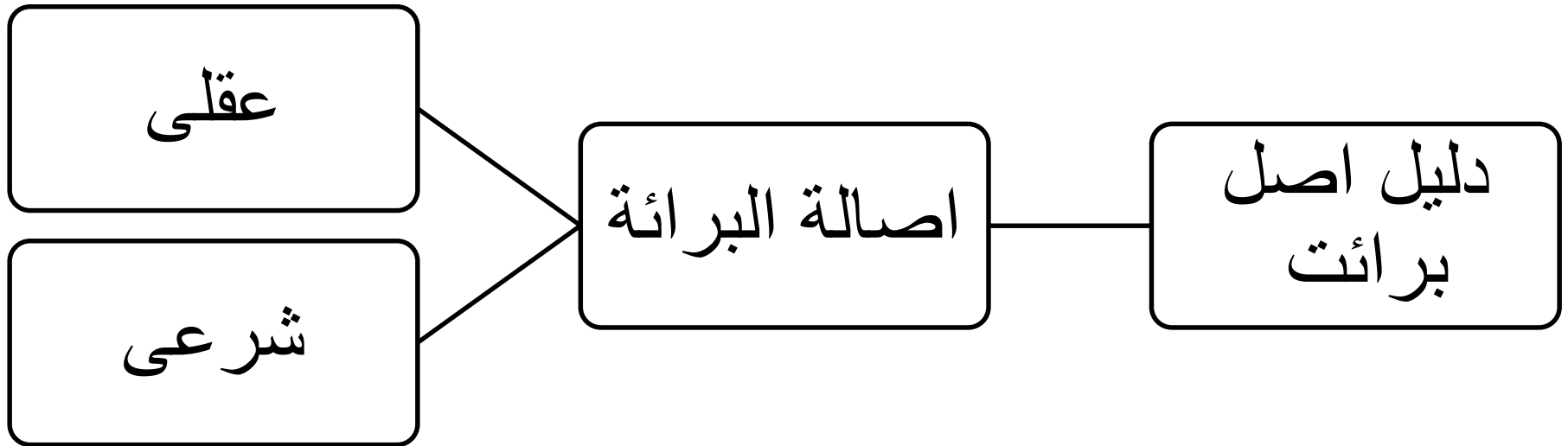
قاعده درء (در كیفری)

دلیل
اصل
برائت

اصل برائت از جرم



اصل براءة از جرم



اصل براءت از جرم

- دلیل اصل براءت
 - قاعده درء (در کیفری)
 - الحدود تدرء بالشبهات

الحدود تدرء بالشبهات

• «٣» ٢٤ بَابُ أَنَّهُ لَا يَمِينُ فِي حَدٍّ وَأَنَّ الْحُدُودَ تَدْرَأُ

بِالشَّبَهَاتِ

• ٣٤١٧٦ - ١ - «٤» مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا
عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ
بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَتَى رَجُلٌ أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ ع بِرَجُلٍ فَقَالَ هَذَا قَذَفَنِي وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ بَيْنَةٌ فَقَالَ
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اسْتَحْلِفْهُ فَقَالَ لَا يَمِينُ فِي حَدٍّ وَلَا
قِصَاصٍ فِي عَظْمٍ.

الحدود تدرء بالشبهات

• مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ
عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَ مِثْلَهُ «٥».

• (٤) - الكافي ٧ - ٢٥٥ - ١.

• (٥) - التهذيب ١٠ - ٧٩ - ٣١٠.

الحدود تدرء بالشبهات

- ٣٤١٧٧ - ٢ - «٦» وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنِ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ جَعْفَرِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: لَا يَسْتَحْلِفُ صَاحِبُ الْحُدِّ.
- (٦) - التَهْذِيبُ ١٠ - ١٥٠ - ٦٠٢.

الحدود تدرء بالشبهات

- ٣٤١٧٨ - ٣ - «٧» وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ كَلُوبٍ عَنْ إِسْحَاقِ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ رَجُلًا اسْتَعْدَى عَلِيًّا ع عَلَى رَجُلٍ - فَقَالَ إِنَّهُ افْتَرَى عَلِيًّا - فَقَالَ عَلِيٌّ ع لِلرَّجُلِ فَعَلْتَ مَا فَعَلْتَ - فَقَالَ لَأُثَمَّ قَالَ عَلِيٌّ ع لَلْمُسْتَعْدَى أَلَاكَ بَيْنَهُ - قَالَ فَقَالَ مَا لِي بَيْنَهُ فَأَحْلَفَهُ لِي - قَالَ عَلِيٌّ ع مَا عَلَيْهِ يَمِينٌ.
- (٧) - التهذيب ٦ - ٣١٤ - ٨٦٨.

الحدود تدرء بالشبهات

• ٣٤١٧٩ - ٤ - «١» محمد بن علي بن الحسين
 قال: قال رسول الله ص **ادرءوا الحدود**
بالشبهات و لا شفاعه و لا كفاله و لا يمين في
 حد.

• (١) - الفقيه ٤ - ٧٤ - ٥١٤٦.

الحدود تدرء بالشبهات

• ۳۴۳۹۳ - ۱۱ - «۱» وَ فِي كِتَابِ الْمُقْنَعِ قَالَ:
 قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع ادْرءُوا الْحُدُودَ بِالشَّبَهَاتِ.

الحدود تدرء بالشبهات

- و يؤيد ذلك ما رواه الشيخ الصدوق مرسلًا، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم): «ادرءوا الحدود بالشبهات» الحديث «٢».
- و من الغريب ما ذكره صاحب الرياض (قدس سره) في ذيل المسألة الثانية من المسائل الثلاث في آخر حد السرقة، ما نصه: و الأولى التمسك بعصمة الدم إلا في موضع اليقين، عملاً بالنص المتواتر بدفع الحد بالشبهات «٣».
- (٢) الوسائل ٢٨: ٤٧ / أبواب مقدمات الحدود ب ٢٤ ح ٤، الفقيه ٤: ٩٠ / ٥٣.
- (٣) رياض المسائل ٢: ٤٩٥ (حجری).

الحدود تدرء بالشبهات

- سؤال ۱۵۳۰:
- هل تقولون بصحة خبر «ادرءوا الحدود بالشبهات»؟
- التبریزی: الخبر غیر صحیح، و الله العالم.

الحدود تدرء بالشبهات

- ۱،۱ - روایات

- عبارت «ادراء الحدود بالشبهات» به صور گوناگون در منابع حدیثی اهل سنت و امامیه نقل شده است. در اینجا به برخی از این منابع اشاره می‌شود:

الحدود تدرء بالشبهات

- ۱،۱،۱ - منابع روایی اهل سنت
- ۱ - ترمذی در کتاب سنن که از منابع معتبر حدیثی اهل سنت است به نقل از عایشه از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم چنین نقل می‌کند:

الحدود تدرء بالشبهات

• ادراءوا الحدود عن المسلمين ما استطعتم، فان وجدتم للمسلم مخرجة فخلوا سبيله، فان الامام لان يخطى في العفو خير من ان يخطى في العقوبة؛ [۱]

• تا می توانید حدود را از مسلمانان دفع کنید (سعی کنید بر کسی حد جاری نشود). پس اگر راه گریزی برای مسلمان به جهت فرار از حد پیدا کردید، او را رها سازید؛ زیرا اگر حاکم در عفو نمودن خطا کند بهتر از آن است که بی گناهی را مجازات نماید.

الحدود تدرء بالشبهات

- ۲- ابن ماجه (محمد بن يزيد بن ماجه قزوینی د. ۲۷۳ هـ - ق) در سنن المصطفی از ابو هريره چنین نقل می‌کند: قال رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم: «ادفعوا الحدود ما وجدتم له مدفعا.» [۲]

الحدود تدرء بالشبهات

- ۳- جلال الدين سيوطي از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم چنین نقل می‌کند: «ادرءوا الحدود بالشبهات.»
- حدیث فوق به صورت دیگری مانند «ادرءوا الحدود» یا «ادرءوا الحدود بالشبهه» و یا «ادرءوا الحدود و القتل عن عباد الله ما استطعتم» نیز نقل شده است. [۳][۴][۵]

الحدود تدرء بالشبهات

- صحیح ترین حدیث در این باب روایت سفیان ثوری از عاصم از ابی وائل از عبدالله بن مسعود است که می گوید:
- ادرؤوا الحدود بالشبهات، اذفعوا القتل عن المسلمین ما استطعتم...، حدود را به شبهه دفع کنید و تا می توانید حکم قتل را از مسلمانان دفع کنید.

الحدود تدرء بالشبهات

- ۱، ۱، ۲ - منابع حدیثی امامیه
- ۱ - شیخ صدوق رحمه الله علیه چنین نقل می کند: «قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: ادرءوا الحدود بالشبهات.» [۶][۷]
- ۲ - همچنین ایشان در کتاب المقنع می نویسند: «عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال: ادرءوا الحدود بالشبهات.» [۸][۹]

الحدود تدرء بالشبهات

- ۳- مرحوم محدث نوری در مستدرک الوسائل چنین نقل می‌کند:
 «عن ابی عبدالله علیه السلام عن ابیه، عن آباءه، عن امیرالمؤمنین
 علیه السلام عن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم انه قال: ادرءوا
 الحدود بالشبهات...». [۱۰]

الحدود تدرء بالشبهات

- همان گونه که ملاحظه می‌شود اخباری که در کتاب‌های روایی امامیه متضمن این قاعده‌اند همگی مرسل‌اند. (صاحب کتاب مبانی تکملة المنهاج این حدیث را مرسل می‌داند: «و یؤید ذلک ما رواه الشیخ الصدوق مرسلًا» [۱۱] در این صورت، از نظر موازین فن حدیث، مشمول ادله حجیت خبر واحد نشده، علی القاعده قابلیت استناد برای اثبات چنین قاعده‌ای را ندارند.